

شناسایی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها به مثابه میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل

احمد سهیل یوسفی

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، گروه علمی حقوق، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۱۹۳۹۵-۳۶۹۷، تهران، ایران

چکیده

بستر دریا و کف اقیانوس‌ها، به عنوان میراث مشترک بشریت، به مجموعه منابع طبیعی شناور و زیر آبی دریاها اطلاق می‌شود. این منابع شامل منابع زیستی، معدنی، انرژی، ورزشی و گردشگری و ... می‌شوند. این منابع برای زندگی بشر و بسیاری از حیات وحش، بسیار ارزشمند و ضروری هستند. بنابراین، مسئولیت حفظ این منابع بر عهده بشر است و باید به عنوان میراث مشترک بشریت تلقی شود. بستر دریا و کف اقیانوس‌ها، منابعی است که برای انسان و اقتصاد جهانی بسیار ارزشمند هستند. منابع زیستی موجود در بستر دریا مانند ماهی، میگو، صدف و ... در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند و جزء مهمی از غذای جهانی محسوب می‌شوند. علاوه بر آن، منابع معدنی نیز در بستر دریا و کف اقیانوس‌ها وجود دارند که شامل نفت، گاز و ... هستند. این اساساً به عنوان میراث مشترک بشریت، حفظ بستر دریا و کف اقیانوس‌ها برای تأمین نیازهای بشری و حفظ محیط زیست بسیار مهم است. کشورهای در حال توسعه برای ایجاد یک نظم اقتصادی تازه، تلاش کردند تا منابع جدید موجود در جهان را به مثابه یک میراث مشترک بشریت ارزیابی کنند و در کنوانسیون ۱۹۸۲ این موضوع را وارد کردند. کشورهای غربی اگر چه از نظر حقوقی چالش‌های جدی ایجاد نکردند، اما از نظر سیاسی و اقتصادی برای تأمین منافع حیاتی‌شان، به برخی از مواد مرتبط با کنوانسیون ۱۹۸۲، به کلی بی‌اعتنایی کردند. در تحقیق حاضر، موضوع اصلی همانا عدم تحقق مواد مرتبط شناخت بستر زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها به مثابه میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل است. با وجود تلاش دولت‌های در حال توسعه، از نظر بین‌المللی، این کوشش‌ها به سرانجام حقوقی مشخصی نرسید و باعث دلسردی بسیاری از کشورها برای دنبال کردن این میراث مشترک بشریت یعنی بستر و زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها شد. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و کوشش شده است تا با بررسی تاریخچه کوشش‌های حقوقی در عرصه حقوق بین‌الملل برای اعلام بستر و زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها به مثابه میراث مشترک بشریت، عدم تحقق این مفهوم در حقوق بین‌الملل مورد مطالعه قرار گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت‌ها و اقدامات کشورها در زمینه بهره‌برداری از منابع دریاها و اقیانوس‌ها و نیز انتقال دانش فنی از سوی کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه، مهم‌ترین عوامل در عدم موفقیت کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه شناسایی بستر و زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها به مثابه میراث مشترک بشریت، به شمار می‌آیند.

واژه‌های کلیدی: دریا، اقیانوس، زیربستر اقیانوس‌ها، میراث مشترک بشریت، حقوق بین‌الملل.

۱- مقدمه

در حقوق بین الملل، منابع دریایی به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شده اند. این مفهوم به معنای این است که منابع دریایی، از جمله ماهی و سایر موجودات دریایی، زیست محیط اقیانوس‌ها و دریاها، نفت و گاز طبیعی، و غیره، متعلق به همه کشورها و افراد جهان است و باید به نفع همه انسان‌ها بهره‌برداری شود. این مفهوم در قوانین بین‌المللی، به ویژه در قانون دریایی سازمان ملل متحد، مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس این قانون، هر کشوری حق دارد منابع دریایی در ناحیه اقتصادی خود را بهره‌برداری کند، اما باید در قبال آن‌ها منافع مشترک بشری را نیز در نظر بگیرد و از حفظ محیط زیست و جلوگیری از آسیب به منابع دریایی اطمینان حاصل کند. به علاوه، بر اساس قوانین بین‌المللی، هیچ کشوری حق ندارد منابع دریایی مناطقی را که به عنوان مناطق بین‌المللی شناخته می‌شوند، به تنهایی بهره‌برداری کند. به همین دلیل، برخی موارد مانند استخراج معدنی از دریا، نیازمند توافقات بین‌المللی و همکاری بین کشورها هستند.

در تحقیق حاضر کوشش شده است تا ضمن تعریف حقوق بین‌الملل دریاها و اصل میراث مشترک بشریت، به عدم موفقیت ثبت بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها به عنوان میراث مشترک بشریت، آن هم علی‌رغم تلاش‌های پیوسته و مدام کشورهای در حال توسعه، بپردازد. بنابراین مساله اساسی، وجود مولفه‌های اقتصادی و سیاسی است که کشورهای عمدتاً توسعه یافته را به پذیرش این توافق وادار نمی‌کند. زیرا چنین توافقی، هر نوع دست‌درازی به بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها که به مثابه میراث مشترک بشریت شناخته می‌شود، عواقب حقوقی جدی دارد، بلکه حفاظت از آن‌ها نیز برای دولت‌ها یک مسئولیت بین‌المللی به همراه خواهد داشت.

۲- پیشینه و روش تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق، تاکنون اثری جامع در حوزه مقالات علمی پژوهشی صورت نگرفته است. عمده تحقیقات پیرامون حقوق بین‌الملل دریاها و یا میزان خسارت و تعهد دولت‌ها به انجام و تعهد در برابر آن اشاره شده است و عدم شکست مفهوم میراث مشترک بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها، کمتر موضوع پژوهش‌های علمی داخل بوده است. البته در مورد مفهوم میراث مشترک بشریت مقالات و تحقیقات مفصلی نوشته شده است. برای نمونه می‌توان به تحقیقاتی از جمله «میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل»، نوشته حمیدرضا جمالی (۱۳۸۹)، و یا مقاله «بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت‌های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت» نوشته توکل حبیبزاده و فرنگیس منصوری (۱۳۹۲)، و مقاله «میراث مشترک بشریت و منافع اقتصادی آن برای مردم کشورهای فقیر»، نوشته سهیل بیوسفی و همکاران (۱۴۰۰) اشاره کرد.

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و ابزار آن، فیش‌برداری از منابع مرتبط با موضوع تحقیق است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به صورت کیفی است.

۳- چارچوب نظری تحقیق

الف: حقوق دریاها

حقوق دریایی که به The Law of ADMIRALTY و Maritime Law معروف است به طور کلی شامل مجموعه قوانین و مقررات و عرف دریایی حاکم بر روابط افراد و دول در کلیه موضوعات و مسائل و فعالیت‌های مربوط به دریانوردی و سفر دریایی (حمل‌ونقل مسافر) است. به معنای خاص کلمه حقوق دریایی مجموعه قوانین و مقررات و عرف دریایی حاکم بر روابط افراد و دول و کلیه کسانی که کشتی را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند و مسائل ناشی از این بهره‌برداری و موضوعات مربوط به کشتیرانی و حمل‌ونقل کالا، مسافر و ایمنی در دریاها را شامل می‌شود. حقوق دریایی از موضوعات حقوق خصوصی است که در گذشته آن را جزو حقوق تجارت می‌دانستند. ولی امروزه رشته مستقلی است که خود شامل رشته‌های فرعی می‌باشد. (آقایی، ۱۳۷۴: ۵۶) اساساً حقوق دریایی بر پایه اصولی استوار است که مبنای آن‌ها بدوی‌ترین و کهن‌ترین عادات و رسوم معمول در سفرهای دریایی بشر پی‌ریزی کرده‌اند. این عادات و رسوم به حکم ضرورت و بر اثر تکرار و به‌مرورزمان به صورت قواعد

لازم الرعايه و قانون درآمده‌اند. از جمله مهم‌ترین این قواعد حقوق ممتاز دریایی^۱ خسارت مشترک^۲ و صلاحیت و محاکم^۳ هستند. حقوق دریایی با حقوق دریاها که به آن حقوق بین‌الملل دریاها نیز گفته می‌شود متفاوت می‌باشد؛ اما در بدو امر احتمال این پندار را که حقوق دریایی همان حقوق دریاهاست و وجه افتراق و تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد نباید از نظر دور داشت. (پورنوری و حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۲)

این ایده ممکن است ناشی از اشتباه لغوی و قائل نشدن تفاوت بین دو اصطلاح حقوق دریاها و حقوق دریایی در زبان فارسی باشد یا از وجود ارتباط داخلی و تأثیرپذیری متقابل این دو رشته بر یکدیگر حاصل شود. زیرا هر دو رشته عمدتاً مسائل حقوقی زائیده و ناشی از دریانوردی و استفاده از دریاها را مورد بررسی قرار می‌دهند. ولی به‌رغم بعضی شباهت‌ها و خصوصیات و اثرات ناگزیری که این دو رشته بر یکدیگر دارند از لحاظ حقوقی دو موضوع متفاوت‌اند و در دانشگاه‌های غرب این دو رشته به‌طور مستقل و مجزا تحت دو عنوان *The Law of the Sea* حقوق دریاها و *Maritime Law* حقوق دریایی تدریس می‌شوند.^۴ از سوی دیگر، حقوق دریاها که محققان انگلیسی به آن *The Law of the Sea* می‌گویند شامل قواعدی است که دولت‌ها و مؤسسات بین‌المللی خود، راجع به امور دریایی بایستی رعایت کنند. (چرچیل و لو، ۱۳۹۰: ۶۹۰) به عبارت دیگر حقوق دریاها مشتمل بر مجموعه قواعد حاکم بر روابط بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در امور دریایی است. در این میان، برخی از محققین آن را حقوق بین‌الملل عمومی دریایی و حقوق بین‌الملل دریاها نامیده‌اند.^۱ بنابراین می‌توان گفت که حقوق دریاها از موضوعات حقوق بین‌الملل عمومی است؛ زیرا حقوق دریاها حاکم است بر روابط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که از موضوعات حقوق بین‌الملل و سازمان ملل متحد هستند. دایره شمول و حوزه عملکرد حقوق دریاها رژیم حقوقی در خصوص موارد زیر را در برمی‌گیرد: خط مبدأ، دریای ساحلی یا سرزمینی، تنگه‌ها، مجمع‌الجزایرها، منطقه مجاور، فلات قاره، منطقه انحصاری اقتصادی، دریاها آزاد، بستر دریاها، ماهیگیری و استفاده از منابع دریاها، آلودگی دریاها، تحقیقات علمی و صنعتی دریایی و انتقال دانش فنی، استفاده نظامی از دریا، وضعیت کشورهای محاط در خشکی و کشورهای دارای شرایط نامساعد جغرافیایی و اجرای قوانین و حقوق دولت‌های ساحلی و حق حاکمیت کشورها در آب‌های ساحلی. (صفازاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۶)

ب: کنوانسیون‌های بین‌المللی دریاها: ۱۹۵۷ و ۱۹۸۲

اولین کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها که به کنوانسیون ژنو ۱۹۵۸ معروف گردید، برخلاف میثاق جامعه، منشور سازمان ملل متحد مقررات خاص را در زمینه تدوین حقوق بین‌الملل پیش‌بینی کرده است و به موجب بند یک ماده ۱۳ منشور ملل متحد، مجمع عمومی می‌بایست مقدمات تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل را فراهم آورد، بنابراین مجمع عمومی مبادرت به تشکیل «کمیسیون حقوق بین‌الملل» کرد و در سال ۱۹۴۹ تدوین و توسعه تدریجی حقوق دریاها را در دستور کار این کمیسیون قرار داد. (کنوانسیون حقوق دریاها، ۱۳۸۶)

نخستین کنفرانس حقوق دریاها فعالیت خود را در تایخ ۲۲ فوریه ۱۹۵۸ آغاز کرد و تا ۲۹ آوریل همان سال در ژنو به کار خود ادامه داد. نمایندگان ۸۶ کشور در این کنفرانس حضور داشتند. علاوه بر نمایندگان کشورهای، ناظرین نیز از موسسات تخصصی سازمان ملل و چندین نهاد دولتی و بیش از ۶۰۰ کارشناس از اقصی نقاط جهان در این کنفرانس شرکت کرده بودند. این

^۱ MARITIME LIEN

^۲ GENERAL AVERAGE

^۳ JURISDICTION

^۴ گر چه شمول حقوق بین‌الملل دریاها اساساً به اعمال کشورها و مؤسساتی که دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند محدود است، لیکن اثرات ناگزیری برای افراد دارد، به‌عنوان مثال امکان دارد افرادی دریاهای سرزمینی به جرم ماهیگیری غیرمجاز دستگیر شوند و یا به کشتی‌های آن‌ها اجازه عبور از آب‌های مجمع‌الجزایری داده نشود. در هر دو مورد افراد مذکور ناگزیر درگیر مسائل حقوق بین‌الملل می‌شوند که امکان دارد به‌وسیله خود اشخاص در مراجع قضایی داخلی مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد یا توسط دولت‌های مطبوع آن‌ها در سطح بین‌المللی و مراجع بین‌المللی.

^۱ بعضی حقوقدانان حقوق بین‌الملل دریایی را یکی از رشته‌های حقوق دریایی می‌دانند، به‌عنوان مثال آقای دکتر هوشنگ امید ضمن احصاء رشته‌های مختلف حقوق دریایی ذکر کرده و در تعریف آن می‌نویسد: حقوق بین‌الملل دریایی درباره مقرراتی که حاکم بر روابط حقوقی دول با یکدیگر و یا سازمان‌های بین‌المللی با دول در مسائل و موضوعات مربوط به دریا، دریانوردی و کشتیرانی بحث می‌کند.

کنفرانس، علی رغم اختلاف نظر شدید کشورها در مورد مسئله عرض دریای سرزمینی نتایج پرباری را به همراه داشت. مهمترین نتیجه مثبت این کنفرانس تهیه و تنظیم چهار کنوانسیون مهم در زمینه های مختلف دریایی بود که عبارتند از:

- کنوانسیون مربوط به دریای سرزمینی و منطقه نظارت
- کنوانسیون مربوط به دریای آزاد

- کنوانسیون مربوط به شیلات و حفاظت از موجودات زنده در دریای آزاد

در نتیجه اگرچه در وضعیت موجود، کنوانسیون ۱۹۵۸ جای خود را به کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌دهد، قدری بلاتکلیفی در بعضی زمینه ها متصور است، ولی همه کشورهایی که تاکنون آن را امضاء کرده اند، متعهد هستند که از ارتکاب اعمالی که مغایر با اهداف و مقاصد آن است خودداری کنند، مگر اینکه آشکارا قصد خود را مبنی بر عدم تصویب آن اعلام کرده باشند و کشورهایی که خواستار تصویب آن هستند، طبعاً بدنبال این هستند که پیش از آنکه کنوانسیون به مرحله لازم الاجرائی برسد، خود را با مقررات عمومی یا دست کم روح آن هماهنگ کنند، به خصوص اینکه کنوانسیون ۱۹۸۲ از هم اکنون مورد استناد محاکم حقوقی ملی و بین‌المللی قرار دارد. کشور ایران که از امضاء کنندگان کنوانسیون است، براساس ماده ۳۱۰ کنوانسیون، دیدگاه‌های خود را در زمینه ماهیت قراردادی کنوانسیون، لزوم کسب اجرای قبلی برای عبور بی ضرر کشتی‌های جنگی خارجی از دریای سرزمینی، ترانزیت کشورهای محصور در خشکی، حقوق انحصاری ایران در زمینه منابع زنده دریایی و جزایر مسکونی و غیرمسکونی و رویه حل و فصل اختلاف‌های ناشی از اجرا و تفسیر کنوانسیون به هنگام امضاء کنوانسیون اعلام کرد و به طور کتبی تحویل کنوانسیون نمود تا در آینده از تفسیرهای احتمالی موادی که به صورتی مغایر با مقصود اصلی و مواضع قبلی یا نا هماهنگ با قوانین و مقررات داخلی جمهوری اسلامی ایران است احتراز بعمل آید. (میرسپاسی، ۱۳۸۵: ۱۳۶)

بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو راجع به دریای سرزمینی و منطقه مجاور، دولت ساحلی دارای حاکمیت در دریای سرزمینی می باشد. هرچند این حاکمیت بواسطه وجود حق عبور بی ضرر محدود شده است، وجود این حق لطمه‌ای را به حاکمیت دولت‌ها در رابطه با دیگر جنبه های دریای سرزمینی وارد نمی‌نماید. بنابراین اصل کلی در چارچوب این کنوانسیون در زمینه پژوهش‌های علمی دریایی در دریای سرزمینی آن است که دولت‌های دیگر و کشتی های متبوع آنها نمی‌توانند نسبت به انجام پژوهش‌های علمی در دریای سرزمینی اقدام نمایند. دیدهی است که تنها استثناء نسبت به این قاعده کلی آن است که دولت ساحلی رضایت خود را مبنی بر انجام چنین پژوهش‌هایی در دریای سرزمینی از سوی دولت خارجی و یا کشتی متبوع آن اعلام نموده و موافقت قبلی خود را با آن ابراز نماید. البته باید توجه داشت که تا جایی که به عبور بی ضرر کشتی‌های تحقیقاتی مربوط می‌شود، آنها نیز از حق عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی برخوردار بوده اند، بدون آنکه در طی عبور بی‌ضرر به انجام هرگونه پژوهش علمی دریایی در دریای سرزمینی اقدام نموده باشند. (طلایی، ۱۳۹۰: ۲۱۰)

در چارچوب کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو راجع به دریاهای آزاد باید گفت که بر طبق این کنوانسیون دولت‌ها آزاد هستند تا مطابق با مقررات درج شده در آن از دریای آزاد برای اهداف گوناگون استفاده نمایند. در این کنوانسیون نمونه‌های عمده ای از آزادی‌های دریای آزاد نام برده شده است که در میان آنها اشاره مستقیمی به آزادی در انجام پژوهش‌های علمی دریایی نشده است. بهر حال با توجه به نظام حقوقی تعریف شده برای دریای آزاد در کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو راجع به دریاهای آزاد به نظر می‌رسد که دولت‌ها از آزادی انجام پژوهش‌های علمی دریایی در دریای آزاد در چارچوب مقررات این کنوانسیون برخوردار بوده‌اند. همچنین حقوق بین‌الملل دریاها به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی به تعیین حدود حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها در خصوص محدوده ها و مناطق آبهای جهان می پردازد، پس از پیشنهاد دکتر پارودو بود که سومین کنفرانس حقوق دریاها از سوی سازمان ملل فراهم گردید. کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲ مونتگویی جامائیکا به تصویب رسید. این کنوانسیون از ۳۲۰ ماده و ۹ الحاقیه و در حدود ۲۰۰ صفحه تشکیل گردید. (متقی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱)

در مقایسه با کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۵۸ ژنو راجع به حقوق دریاها، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قواعد و مقررات جامع‌تر و گسترده‌تری را در زمینه پژوهش‌های علمی دریایی در بردارد. در واقع علاوه بر برخی مقررات دیگر کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، بخش سیزدهم این کنوانسیون (باعنوان پژوهش‌های علمی دریایی) به طور خاص به قواعد و مقررات حاکم بر

پژوهش‌های علمی دریایی) اختصاص داده شده است. در ذیل به بررسی برخی از اصول، قواعد و مقررات عمده حاکم بر پژوهش‌های علمی دریایی در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها پرداخته می‌شود. (بند ۱ ماده ۲۱۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها)

نخستین ماده از بخش سیزدهم کنوانسیون به حق دولت‌ها در انجام پژوهش‌های علمی دریایی می‌پردازد. ماده ۲۳۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد که همه دولت‌ها، صرف‌نظر از موقعیت جغرافیایی آنها، و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار از حق انجام پژوهش‌های علمی دریایی با رعایت حقوق و وظایف دیگر دولت‌ها که در این کنوانسیون مقرر شده است، برخوردار می‌باشند (بند ۱ ماده ۳۱۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها) بدین ترتیب تمامی دولت‌ها، چه دولت‌های ساحلی و چه دولت‌های محصور در خشکی از حق انجام پژوهش‌های علمی دریایی برخوردار می‌باشند. در ضمن علاوه بر دولت‌ها این حق برای سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار نیز به رسمیت شناخته شده است. به هر حال چنین پژوهش‌هایی بر این شرط استوار شده است که لطمه‌ای به حقوق و وظایف تعریف‌شده در کنوانسیون برای دیگر دولت‌ها وارد نسازد. ماده مزبور یک قاعده کلی را مطرح نموده و آن را به ناحیه دریایی تابع نظام حقوقی حاکم بر آن ناحیه می‌باشد. در تکمیل قاعده مزبور، ماده ۲۳۹ کنوانسیون از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار می‌خواهد تا انجام پژوهش‌های علمی دریایی و توسعه آنها را مطابق با این کنوانسیون ترویج نموده و تسهیل نمایند.

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قواعد و مقررات یکسانی را در خصوص پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره مورد پذیرش قرار داده است در واقع این قواعد و مقررات در یک ماده کنوانسیون، یعنی ماده ۲۴۶، درج گردیده‌اند. (بیک‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۵) براساس بند ۱ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دولت‌های ساحلی، در اجرای صلاحیتشان، از حق تنظیم، صدور مجوز و انجام پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره مطابق با مقررات مربوطه این کنوانسیون برخوردار هستند. در تکمیل این مقرره، بند ۲ ماده مزبور به طور صریح بیان می‌دارد که پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره باید با رضایت دولت ساحلی انجام شوند. به هر حال بند ۳ ماده مزبور تأکید می‌نماید که دولت‌های ساحلی، در شرایط عادی، بایستی رضایت خود را در زمینه انجام پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره خود ابراز نمایند، اگر که: الف) این پژوهش‌های علمی مطابق با کنوانسیون فقط برای اهداف صلح آمیز انجام شوند و ب) هدف از انجام اینگونه پژوهش‌ها افزایش دانش علمی در زمینه محیط زیست دریایی برای نفع تمام بشریت باشد. البته دولت ساحلی می‌تواند در موارد ذیل از صدور اجازه برای انجام پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره خودداری نماید:

الف) پژوهش‌های علمی دریایی برای اکتشافات و بهره‌برداری از منابع طبیعی، خواه زنده خواه غیرزنده، دارای اهمیت مستقیم باشد

ب) پژوهش‌های علمی دریایی مستلزم حفاری در فلات قاره، استفاده از مواد منفجره باشد و یا موجب ورود مواد زیان آور به محیط زیست دریایی گردد،

ج) مستلزم ساخت، به کارگیری و یا استفاده از جزایر مصنوعی، تأسیسات و یا ساختارهای اشاره شده در مواد ۶۰ و ۸۰ باشد.

د) در صورتی که در جهت اجرای ماده ۲۴۸ مبنی بر ارائه اطلاعات در خصوص ماهیت و اهداف یک پروژه علمی دریایی، اطلاعاتی داده شده باشد که دقیق نمی‌باشند و اگر دولت و یا سازمان بین‌المللی صلاحیتدار مربوطه هنوز تعهدات برجسته‌ای را در قبال دولت ساحلی در خصوص یک پروژه پژوهشی قبلی بر عهده دارد. (طلایی، ۱۳۸۰: ۴۶)

ج: مسئولیت دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست اعماق دریاها و اقیانوس‌ها

در نظام حقوق بین‌الملل، مسئولیت دولت بر لزوم ایفای تعهداتی که بر عهده دارد، پایه گرفته است. بر اساس این تعهد است که دولتی به دلیل نادیده گرفتن تکالیف ناشی از نظام حقوق بین‌الملل در برابر دولت دیگر مسئول قلمداد می‌شود. کلیه دولت‌ها به دلیل ارتکاب اعمالی که طبق موازین حقوق بین‌الملل غیرقانونی تلقی می‌شوند به نحو یکسان مسئولیت بر عهده دارند. یک

دولت نمی‌تواند با دستاویز قرار دادن مقررات نظام حقوقی ملی خود و یا اعمالی که در آن نظام مشمول ممنوعیت نشده‌اند، خود را از مسئولیت مبرا کند. (والاس، ۱۳۷۸: ۲۵۶) سرانجام در ماده یک پیش‌نویس طرح کنوانسیون مسئولیت دولت می‌خوانیم:^۵ «هر عمل نادرست بین‌المللی یک دولت، متضمن مسئولیت بین‌المللی آن دولت است.» ملاحظه می‌گردد در طرح مواد راجع به مسئولیت، عنصر خسارت از عناصر تشکیل دهنده مسئولیت حذف شده است اما این به معنی نادیده انگاشتن عنصر خسارت در مسئولیت نمی‌باشد، زیرا عمل خلاف حقوق بین‌الملل در هر صورت منجر به خسارت (اعم از مادی یا معنوی) خواهد گردید. در هر حال اجرای مسئولیت بین‌المللی زمانی امکان‌پذیر است که قاعده حقوق بین‌الملل مورد تجاوز قرار گرفته باشد. لذا لازم است که در سطح بین‌الملل، عمل نامشروعی (نادرستی) صورت گرفته باشد.

اصل عمومی و نخستین در مسئله مسئولیت بین‌المللی وجود یک عمل مخالف حقوق یا نقض یک تعهد بین‌المللی می‌باشد، تعهدات بین‌المللی ماهیت و طبیعت یگانه و یکنواخت ندارند، در نتیجه حدود و مسئولیت‌های احتمالی نیز با توجه به ماهیت و طبیعت تعهد نقض شده فرق می‌کند. (پورنوری و حبیبی، ۱۳۸۶: ۵۶) اساساً حقوق بین‌الملل عام اصل تعهد مطلق به پیشگیری زبان ناشی از اعمال حق یا انجام فعالیت‌های ممنوع نشده را تصدیق نمی‌کند. تعهد دولت به پیشگیری از زیان، تعهد از نوع اعمال مراقبت‌های لازم^۶ یا به عبارت دیگر تعهد به وسیله است. بدین توضیح که دولت‌ها اساساً تا حد توان و امکانات خود ملزم به پیشگیری زبان ناشی از اعمال حقوق خود می‌باشد. در ارزیابی ایفا یا عدم ایفای تعهد دولت‌ها به پیشگیری زبان ناشی از اعمال حق یا انجام فعالیت‌های ممنوع نشده لازم است عواملی از قبیل وسعت فعالیت، مکان آن، شرایط آب هوایی خاص و مواد بکار رفته در آن فعالیت مدنظر قرار گیرد. آنچه ممکن است در یک مقطع زمانی معیار اعمال مراقبت لازم تلقی شود در مقطعی دیگر ممکن است چنین نشود و پیشرفت‌های علمی و فنی می‌تواند در نحوه اعمال مراقبت‌های لازم موثر واقع شود. هر چند که در ایفای تعهد به اعمال مراقبت‌های مقتضی لازم است توانایی‌ها و امکانات متعهد در نظر گرفته شود. با وجود این، وضعیت امکانات و توان متعهد تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند به طور مطلق متعهد را از تعهد خود مبرا سازد. اعلامیه‌های ۱۹۷۲، ۱۹۹۲ استکهلم (اصل ۲۳) و ریو (اصل ۱۱) به صراحت ضرورت توجه به توان و امکانات دولت‌ها در ایفای تعهدات خود در زمینه پیشگیری زبان ناشی از اعمال حقوق یا انجام فعالیت قانونی را پذیرفته‌اند. کمیته محیط زیست سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ماهیت تعهد به وسیله بودن تعهدات دولت‌ها مبنی بر پیشگیری زبان ناشی از اعمال حق را این چنین مورد تأیید قرار داده است: «عرف مبتنی بر قاعده اعمال مراقبت لازم بر تمام دولت‌ها تحمیل نشده است تا فعالیت‌هایی که در چارچوب صلاحیت آنها انجام می‌شود موجب زیان به محیط‌زیست دیگر دولت‌ها نشود. (Lang, 2001: 75)

تکلیف پیشگیری از صدمه^۸ (زیست محیطی) غالباً بدین منظور مقرر شده است تا دولت‌ها را ملزم نماید کلیه اقدامات و مراحل «علمی و ممکن» را برای جلوگیری از وقوع صدمه به محل آورند. بنابراین تردیدی نیست که دولت‌ها وظیفه دارند از آسیب‌های زیست محیطی پیشگیری کنند و همچنین تضمین نمایند که فعالیت‌های تحت صلاحیت و کنترلشان آسیبی به محیط زیست فراتر از حوزه صلاحیت ملی‌شان وارد نمی‌کند.^۹ در خصوص محیط زیست دریایی این وظیفه در ماده ۱۹۳^۱، پاراگراف ۲

^۵- www.Un.org/Law/lic/reports.htm.

^۶-International Wrangfull Act

^۷-Due Diligence

^۸- Duty to prevent. Harm.

^۹ اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو: دولتها مطابق منشور سازمان ملل و اصول حقوق بین‌الملل حق مطلق برای بهره‌برداری از منابعشان مطابق سیاستهای زیست محیط و توسعه‌های [در اعلامیه استکهلم به سیاستهای توسعه‌های اشاره نشده است] خویش دارند و تعهد دارند تضمین نمایند تا فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترلشان به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطقی فراتر از حوزه صلاحیت ملی خسارتی وارد نسازد.

ماده ۱۹۴^۲ و پاراگراف ۱ ماده ۲۳^۳ کنوانسیون به روشنی مقرر شده است. (Anton, 2011: 2). این مواد تعهد کلی دولت‌ها در زمینه محیط زیست دریایی را بیان می‌کند اما در خصوص محیط زیست دریایی «منطقه» ماده ۱۴۵ تعهد دولتها از جمله دولت حامی را اینگونه مقرر میکند: «اقدامات ضروری مطابق با این کنوانسیون نسبت به فعالیت‌ها در منطقه باید اتخاذ گردد تا حمایت موثر از محیط زیست دریایی در برابر آثار زیان‌بار ناشی از چنین فعالیت‌هایی را تضمین نماید. در ضمن ماده ۱۴۵ پس از اشاره به تعهد دولتها، از مقام‌ها می‌خواهد تا با تصویب قوانین، مقررات و نظام نامه‌ها برای پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی و دیگر خطرات مربوط به محیط زیست دریایی به ویژه آثار زیان‌بار فعالیت‌هایی چون حفاری، لایروبی، خاکبرداری و دفع مواد زاید، حمایت و حفاظت از منابع طبیعی منطقه را تامین نماید.^۴ دولتها نیز طبق پاراگراف ۴ ماده ۱۵۳ کنوانسیون متعهد هستند با مقام همکاری کنند. با این وجود و به لحاظ اهمیت مسئله حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی، تعهد به همکاری با مقام به طور جداگانه در پاراگراف ۶ مورد تاکید قرار گرفته است.

برای مثال، ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد در خصوص حقوق دریاها، مقرر می‌دارد که: «دولتها باید به طور فردی یا جمعی و به نحو مقتضی، کلیه تدابیر موافق با این کنوانسیون را که برای پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریایی از هر گونه منبع لازم است، به عمل آورند و بدین منظور از مهم‌ترین وسایل علمی و در دسترس خویش استفاده نمایند و باید تلاش کنند تا سیاست‌های خویش را در این خصوص هماهنگ سازند» همچنین کنوانسیون بازل، در تلاش برای کاهش صدمات ناشی از آلودگی زیست محیطی، «مدیریت صحیح زیست محیطی^۵ مواد زائد خطرناک و دیگر زایدات» را به نحو زیر تعریف می‌کند. لازم تلقی می‌نماید: «اتخاذ کلیه اقدامات عملی برای حصول اطمینان از اینکه مواد زاید و خطرناک و سایر مواد زاید به نحوی مدیریت می‌شوند که سلامت انسان و محیط‌زیست در برابر آثار زیان‌بار احتمالی ناشی از این اقدامات حفاظت خواهند شد». در واقع این اتکای بر معیار و مراحل و اقدامات «عملی»^۶ حکایت از این دارد که تکالیف پیشگیری از ایراد صدمه زیست محیطی نمی‌تواند مطلق باشد. بلکه حداقل مبین این است که دولتها باید کلیه تلاش‌های «معقول و متعارف» را برای جلوگیری از ایجاد خسارت زیست محیطی به ویژه به دریاها و اقیانوس‌ها به عمل آورند. مفهوم معقول و متعارف بودن آنست که تلاش دولت با حسن نیت آنها در حفاظت از محیط‌زیست دریاها و اقیانوس‌ها توأم بوده و در واقع تلاش‌های مذکور، حداکثر مساعی آنان را در این زمینه آشکار نماید. (رابینسون، ۱۳۹۰: ۱۰۷)

۴- بحث اصلی

۴-۱- شناسایی اعماق دریاها به عنوان میراث مشترک بشریت

نظام حقوقی اعماق دریاها متفاوت از نظام‌های حقوقی فلات قاره، منطقه انحصاری اقتصادی و دریای آزاد می‌باشد. (چرچیل و لو، ۱۳۹۰: ۳۱۱) به طور کلی، نظام حقوقی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها ناظر و حاکم بر همه فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع معدنی منطبق بین المللی اعماق دریاهاست. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۶۲) و به طور کل بخش کم عمق بستر دریا را فلات قاره و بخش عمیق را میراث مشترک بشریت می‌گویند.

^{۱۰} طبق پاراگراف) ۳(مقرر ۱ مقررات کلوچه‌های پلی متالیک و مقررات سولفیدهای پلی متالیک و پاراگراف) ۳(مقرر ۱ مقررات لایه‌های غنی از کبالت، محیط زیست دریایی شامل عناصر، حالتها و فاکتورهای فیزیکی، شیمیایی، زمینشناسی و زیستی است که بر یکدیگر اثر متقابل می‌گذارند و بهروری، وضعیت، حالت و کیفیت اکوسیستم دریایی، آبهای دریاها و اقیانوسها و فضای بالای آنها، همچنین بستر دریا و کف اقیانوس و زیربستر آنها را تعیین میکنند.

^{۱۱} ماده ۱۹۲: دولتها متعهد هستند تا از محیط زیست دریایی حمایت و حفاظت نمایند

^{۱۲} پاراگراف ۲ ماده ۱۹۴: دولتها تمامی اقدامات ضروری را اتخاذ خواهند کرد تا تضمین نمایند فعالیت‌هایی که تحت صلاحیت یا کنترلشان انجام میشود آسیبی چون آلودگی به دیگر دولتها و محیط زیستشان وارد نمیکند.

^{۱۳} پاراگراف ۱ ماده ۲۳۵: دولتها نسبت به ایفای تعهدات بین‌المللیشان در خصوص حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی، متعهد هستند.

^{۱۴} علاوه بر ماده فوق تصویب چنین مقرراتی طبق پاراگراف ۱ مقرر ۳۱ مقررات کلوچه‌های پلی متالیک و پاراگراف ۱ مقرر ۳۳ هر دو مقررات سولفیدهای پلی متالیک و لایه‌های غنی از کبالت از مقام خواسته شده است: «مطابق کنوانسیون و موافقتنامه، مقام، قوانین، مقررات و نظام نامه‌های زیست محیطی را ایجاد و به طور دوره‌ای بازبینی خواهد کرد تا حمایت موثر از محیط زیست دریایی را در برابر آثار زیان‌باری که ممکن است از فعالیتها در منطقه ایجاد شود، تضمین نماید.»

^{۱۵}Environment tally soan J managment

^{۱۶}A.Practiable steps

قطعه‌نامه ۲۷۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۰ که با رای مثبت ۱۰۸ دولت و بدون رأی مخالف و با ۱۴ رأی ممتنع به تصویب رسید. بستر اعماق دریاها و اقیانوس‌ها را به مثابه میراث مشترک بشریت معرفی می‌نماید و پیش‌بینی‌های مربوط به تفضیل در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها آمده است. بر اساس کنوانسیون مزبور، کنترل بستر اعماق دریاها و اقیانوس‌ها یعنی محدوده بعد از فلات قاره به شرح مندرج در ماده ۷۶، به عهده مقام بین‌المللی بستر دریاهاست. (اکهرست، ۱۳۷۶: ۲۳۰)

کشتی چلنجر، که یک کشتی شناسایی اعماق اقیانوس‌ها بود، در سال‌های ۱۸۷۶-۱۸۷۲ برای نخستین بار کلوخه‌های منگنز در کف قعر اقیانوس را کشف کرد. البته این در دهه ۱۹۶۰ بود که وجود این کلوخه‌ها که در شکل و اندازه شبیه سیب زمینی هستند، برای عموم شناخته شد و فناوری به حدی توسعه یافت که امکان بازیافت آنها فراهم آمد این کلوخه‌ها حاوی نیکل، مس، کبالت و منگنز است و امروزه به کلوخه‌های پلی متالیک معروف است که توجه تازه به کلوخه‌های پلی متالیک موضوع وضعیت حقوقی اعماق بستر دریاها و اقیانوس‌ها را به سطح بین‌المللی کشاند. (لویی بی سون و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۶)

علاوه بر این، در سده بیستم، سه دیدگاه در مورد وضعیت حقوقی اعماق بستر دریاها و اقیانوس‌ها رشد و توسعه پیدا کرد یک دیدگاه، مدعی بود که منابع معدنی اعماق بستر دریاها و اقیانوس‌ها میراث مشترک بشریت است و صرفاً توسط یا تحت اشراف مقامی بین‌المللی قابل بهره‌برداری است که از جانب همه کشورها عمل کند. مطابق این دیدگاه، هیچ کشوری به طور مستقل از نظر حقوقی حق بهره‌برداری از منابع اعماق دریاها و اقیانوس‌ها را ندارد. دیدگاه دوم معتقد بود اکتشاف و بهره‌برداری از منابع معدنی اعماق بستر دریاها و اقیانوس‌ها در چارچوب آزادی دریای آزاد تعریف می‌شود با این اوصاف هیچ دولتی حق حاکمیت و حقوق انحصاری بر آن را نداشت. دیدگاه سوم که از نفوذ چندانی برخوردار نشد، معتقد بود اعماق بستر دریا، همانند زمین بدون صاحب بوده و متعلق به کسی نیست و می‌تواند توسط اولین کشوری که مدعی بخش خاصی از بستر دریا در آن سوی صلاحیت ملی شود و از آن بهره‌برداری کند به تملک درآید. (همان: ۲۴۷)

۱-۱-۴- اعلام بستر و زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها به عنوان میراث مشترک بشریت (۱۹۶۷)

با توجه به تعریف عهدنامه مصوب سال ۱۹۵۸ ژنو از فلات قاره و عدم ارائه هیچ گونه محدودیتی برای استفاده از آن، احتمال استخراج و بهره‌برداری کشورهای صنعتی از منابع گسترده آن و استفاده از اعماق دریاها و اقیانوس‌ها می‌رفت. از این رو، در بیست و دومین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۷ آقای آرویدپاردو نماینده کشور مالت در سازمان ملل متحد پیشنهاد نمود که بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها خارج از قلمرو و صلاحیت ملی کشور ما قرار گیرند و به عنوان «میراث مشترک بشریت» اعلام شوند در نتیجه از تخصیص ملی و بهره‌برداری آزاد خارج کردند تا از منابع آن بتوان به نفع بشریت و برای مقاصد صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز استفاده نمود (عباسی، ۱۳۹۵: ۴۵۹)

پیشنهاد نماینده مالت به طور اصولی و کلی مورد پذیرش مجمع عمومی قرار گرفت و مجمع کمیته خاصی به نام کمیته بستر دریاها را تأسیس و مأمور بررسی همه جانبه این پیشنهاد نمود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۶۴) که این امر موجب صدور قطعه‌نامه اعلامیه اصول حاکم بر بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها و زیر بستر آن‌ها خارج از محدوده و صلاحیت ملی معروف به اعلامیه اصولی شماره ۲۷۴۹ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۰ شد و این قطعه‌نامه صریحاً بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها را که در ماورای حاکمیت ملی قرار دارند را به مثابه «میراث مشترک بشریت» معرفی نمود. موضوع مهم در این قطعه‌نامه این بود که هیچ کشوری حق ادعای مالکیت یا حاکمیت به بخشی از منطقه یاد شده را ندارد. (امیدی، ۱۳۹۴: ۱۸۹) و برای اداره آن منطقه باید یک نظام بین‌المللی که متضمن منافع همه کشورها باشد بر اکتشاف و بهره‌برداری نظارت کند (عباسی، ۱۳۹۵: ۴۶۰-۴۵۹) اصول مندرج در اعلامیه مذکور عبارتند از: عدم تخصیص ملی، بین‌المللی کردن نظام، استفاده صلح‌جویانه از اعماق دریاها و اقیانوس‌ها و مشارکت همه کشورهای در حال توسعه در ثروت‌های مشترک موجود در اعماق دریاها و اقیانوس‌ها.

۱-۲-۴- کنوانسیون حقوق دریاها: ۱۹۸۲

با توجه به جنبه توصیه‌ای و الزام‌آور نبودن اعلامیه اصولی شماره ۲۷۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بنا به توصیه کمیته بستر دریاها، وظیفه تهیه و تدوین قواعد مربوط به میراث مشترک بشریت را بر عهده سومین کنفرانس حقوق دریاها گذاشت و کنفرانس با توجه به اصول مقرر در اعلامیه اصولی و با در نظر گرفتن دیگر ملاحظات، نظام حقوقی خاصی را در این مورد تدوین نمود که بعدها موضوع بخش یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها به عنوان منطقه بین‌المللی اعماق دریا گردید (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۶۵) در نهایت کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ نیز ضمن اختصاص دادن بخش یازدهم خود (مواد ۱۳۳ تا ۱۹۲) به منطقه بین‌المللی منابع واقع در بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها در ماورای صلاحیت ملی را به عنوان «میراث مشترک بشریت» اعلام نمود.

به عبارت دیگر منابع واقع در بستر و زیر بستر دریای آن، متعلق به کل بشریت و نه یک کشور و سرزمین خاص می‌باشد (امیدی، ۱۳۹۴: ۱۸۹) یادآوری این نکته نیز ضروری است که نقطه پایانی اعمال صلاحیت ملی نیز تا حد خارجی حاشیه قاره و یا چنانچه عرض حاشیه قاره کمتر باشد تا ۲۰۰ مایلی خط مبدأ ادامه می‌یابد. این منطقه که ۶۰ درصد از بستر دریا را شامل می‌شود، باید به موجب این کنوانسیون و با اجازه مقام بین‌المللی بستر دریا مورد استفاده قرار گیرد. در واقع این مقام سازمانی است که کشورها از طریق او به ساماندهی مدیریت و نظارت بر همه فعالیت‌ها در منطقه می‌پردازند. (عباسی، ۱۳۹۵: ۴۶۱) مطابق بند ۱ ماده ۱۴۰ این کنوانسیون کلیه فعالیت‌هایی که در مناطق دریایی انجام می‌شود، باید در راستای منافع کل بشریت و مستقل و جدا از وضعیت جغرافیایی کشورهای ساحلی یا بدون ساحل باشد. به ویژه باید منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه و مردم سرزمین‌های غیرمستقل نیز در نظر گرفته شود. علاوه بر این، در استفاده از این مناطق دریایی، باید آزادی‌های مشروع همه کشورها مانند کشتیرانی، ماهیگیری و پرواز بر فراز آب‌های آن منطقه، محترم شمرده شود. در بند ۲ ماده ۱۴۰ آمده است که امتیازات مالی و دیگر امتیازات اقتصادی ناشی از فعالیت‌هایی که در منطقه انجام می‌شود، باید به طور منصفانه و بدون تبعیض میان کشورها تقسیم شوند. مقام بین‌المللی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها، عهده‌دار انجام این وظیفه خطیر و مهم است. البته باید توجه داشت که ضروری است این کار طبق یک سازو کار مناسب و با رعایت دیگر مقررات کنوانسیون مزبور صورت گیرد. برابر این کنوانسیون کشورهایی که مرز دریایی داشتند متعهد شدند که امکان دستیابی به سواحل، اسکله و برخورداری از مواهب دریا را برای کشورهایی که به دریا راه ندارند، فراهم کنند (همان: ۴۶۲)

۳-۱-۴- موافقت‌نامه نیویورک: ۱۹۹۴

پس از تصویب کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲ به تدریج مخالفت‌هایی با شیوه اجرای بخش یازدهم از جانب برخی از کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته ابراز گردید. این مخالفت‌ها عمدتاً درباره صدور مجوز بهره‌برداری از اعماق دریاها و اقیانوس‌ها، قواعد مربوط به قراردادهای شیوه تصمیم‌گیری در شواری مقام بین‌المللی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها و انتقال اجباری دانش فنی به کشورهای در حال توسعه بود. این شکل از مخالفت‌ها از سال ۱۹۹۰ میلادی به این سو، به یک سلسله مشورت‌های غیررسمی میان کشورهای ذی نفع زیر نظارت دبیر کل سازمان مللی منتهی شد تا اینکه مجمع در ژانویه سال ۱۹۹۳ چند ماه پیش از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون که در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ اجرایی شد، مقررات خاصی را به عنوان پیش‌نویس قطعنامه و پیش‌نویس موافقت‌نامه مربوط به اجرای بخش یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲، در زمینه حقوق دریاها تصویب نمود که به موافقت‌نامه نیویورک (۱۹۹۴) معروف است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۶۵)

این موافقت‌نامه تا حد زیادی مقررات بخش یازدهم را تغییر و تحت تأثیر خود قرار داد. حتی در ماده ۲ چنین آمده است که در صورت تعارض میان بخش یازدهم و موافقت‌نامه، مقررات موافقت‌نامه مرجع خواهد بود. علاوه بر این، این موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که اعلام رضایت به پیروی از کنوانسیون به منزله رضایت با موافقت‌نامه است. (ماده ۴)

۲-۴- اصول حقوقی حاکم بر اعماق دریاها و اقیانوس‌ها

۱-۲-۴- اصل نفع بشریت در بستر و زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها

مطابق ماده ۱۴۰ عهدنامه حقوق دریاها: ۱- کلیه فعالیت‌هایی که در منطقه انجام می‌شود، باید در راستای منافع بشریت و مستقل و جدا از وضعیت جغرافیایی کشورهای ساحلی یا بدون ساحل باشد و به ویژه باید منافع و نیازهای کشورهای در حال

توسعه و مردم سرزمین‌های غیرمستقل در نظر گرفته شود. ۲- امتیازات مالی و سایر امتیازات اقتصادی ناشی از فعالیت‌هایی که در منطقه انجام می‌شود، باید به طور منصفانه و بدون تبعیض میان کشورها تقسیم شود که مقام اعماق دریا عهده‌دار این وظیفه مهم است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۶۷)

نخستین نوآوری در مورد ایجاد منطقه، جداسازی اعماق دریا و زیر بستر آن از یک سو و آب‌های بالای آن از سوی دیگر است. این دو بخش از دریا هم تابع رژیم حقوقی منفک و جداگانه اند. (ماده ۱۳۵) هم حدود آن بر یکدیگر منطبق نیست، یعنی دریای آزاد در جایی شروع می‌شود که منطقه انحصاری اقتصادی دولت‌ها پایان می‌یابد. در حالی که حد منطقه را حد خارجی فلات قاره آن معین می‌کند (طلایی، ۱۳۹۰: ۱۷۰) جامعه بین‌الملل، حاکم بر این حدود نیست هر دولتی حدود فلات قاره خود را به مقام بین‌المللی اعلام می‌کند و مقام آن را ثبت می‌کند و این امر نیز نمی‌تواند با تصمیمات و توافقات تعیین حدود میان دولت‌ها تداخل داشته باشد. (بند ۴ ماده ۱۳۴) در این میان، تنها احتیاطی که مد نظر قرار گرفته است در مورد فلات قاره بالاتر از ۲۰۰ مایل دریایی است که یک کمیسیون تعیین حدود فلات قاره می‌تواند در مورد حد خارجی فلات قاره به دولت‌های ساحلی توصیه کند و در صورت پذیرش این توصیه‌ها، تعیین حدود فلات قاره قطعی خواهد بود و در برابر دولت‌های دیگر و مقام قابل استناد خواهد بود. (بند ۸ ماده ۷۶) ممکن است تفکیک قواعد قابل اعمال در منطقه و در دریای آزاد، معضلاتی را به همراه داشته باشد. برای نمونه می‌توان به آزادی کشتیرانی و تحقیقات علمی در دریای آزاد و تعارض آن با لزوم اکتشاف در منطقه و بهره‌برداری از آن، اشاره کرد. ماده ۱۴۷ موقعیت تأسیسات بهره‌برداری از منطقه را تنظیم می‌کند و در بقیه مسائل دولت‌ها را تشویق می‌کند تا فعالیت‌های خود را با توجه به فعالیت‌های دیگر حاضر در محیط دریایی، به صورت معقول صورت دهد. (جمالی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۲-۳۱)

رژیم حقوقی منطقه فقط به منابع اقتصادی بستر و زیر بستر اعمال می‌شود و کاربردهای رژیم اقتصادی یا غیر آن (مانند نصب و تعبیه کابل‌های دریایی و لوله‌های نفتی و جمع‌آوری اشیاء) را در بر نمی‌گیرد. اما برخی اموال غیرطبیعی (مانند اشیاء باستان‌شناختی و تاریخی- میراث فرهنگی زیر آب (که در منطقه یافت می‌شوند) تابع قواعد خاصی می‌باشند و با آزادی دریایی آزاد ارتباطی ندارند. (ماده ۱۴۹ و کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو)

اما اصول قابل اعمال نیز در منطقه موجود است. برای نمونه ماده ۱۳۶ با تکرار بند ۱ اعلامیه اصول بیان می‌دارد که در منطقه منابع آن میراث مشترک بشریت می‌باشند. (طلایی، ۱۳۹۰: ۱۷۲) مقدمه موافقت‌نامه اجرایی فصل یازدهم کنوانسیون در سال ۱۹۹۴، مجدداً این مفهوم اساسی را مورد تأکید قرار داده است. «این مفهوم امروزه مورد اعتراض هیچ کس نیست و بی‌شک بخشی از حقوق موضوعه است.» (کک وین و همکاران، ۱۳۸۲: ۷۹۸) از زمان پیشنهاد کشور مالت در سال ۱۹۶۷ تاکنون، کاربرد مفهوم میراث مشترک بشریت در رابطه با وضعیت حقوقی اعماق دریا پیشرفت زیادی داشته است. این مفهوم رشد و پیشرفت تمام عیار خود را در بخش کنوانسیون حقوق دریاها، که سه سال بعد از معاهده ماه، نقطه اتکا طولانی‌ترین بخش این کنوانسیون- بخش یازده - که سومین کنفرانس ملل متحد در مورد حقوق دریا، بیشترین وقت خود را مصروف آن ساخت، می‌باشد. با وجود زمان زیادی که برای بیان دقیق و مفصل بخش یازده صرف شد، عبارت میراث مشترک بشریت در یکی از کوتاهترین مواد کنوانسیون - ماده ۱۳۶- تدوین شد. (جمالی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۳)

ماده ۱۳۶ به ما یک پازل یازده کلمه‌ای می‌دهد: «منطقه و منابع یعنی بستر و کف اقیانوس و زیر آنها که در خارج از محدوده تحت صلاحیت ملی قرار دارند (بند ۱ ماده ۱) و منابع شامل همه منابع معدنی جامد، مایع یا گازی واقع در محل خود در بستر یا زیر بستر دریای منطقه از جمله کلوخه‌های فلزی می‌باشند (بند الف ماده ۱۳۳) در این میان، برای یافتن عناصر اساسی میراث مشترک بشریت، به روش جست و جو در متون عمل می‌کنیم. ماده ۱۳۶ در بخش ۲ از فصل یازدهم کنوانسیون با عنوان «اصول حاکم بر منطقه» (مواد ۱۳۷ تا ۱۴۹) آمده است، از آنجا که دلالت روشنی برای ارتباط این اصول به همدیگر وجود ندارد، ممکن است این سوال مطرح شود که آیا میراث مشترک بشریت یکی از ۱۳ اصل مستقل و از هم جدای بخش ۲ است؟ با توجه به آن که ماده ۱۳۶ تعریفی از میراث مشترک ارائه نمی‌دهد. مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد

حقوق معاهدات به ما امکان مراجعه به مقدمه، ضامم و کارهای مقدماتی کنوانسیون ۱۹۸۲ را می‌دهد تا از این طریق موضوعات مهم و تأمل‌برانگیز، حول محور «میراث مشترک بشریت» را مورد مطالعه قرار دهیم.

در مقدمه کنوانسیون آمده است که دولت‌های طرف این کنوانسیون: با تمایل به توسعه اصول مندرج در قطعنامه شماره (۲۵) ۲۷۴۹ مورخ دسامبر ۱۹۷۰ که در آن مجمع عمومی سازمان ملل متحده موکداً اعلام نمود که منطقه بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها و زیر بستر آن‌ها خارج از حدود صلاحیت ملی و نیز منابع آن به عنوان «میراث مشترک بشریت» می‌باشند و اکتشاف و استخراج آنها به نفع کل بشریت، صرف نظر از موقعیت جغرافیایی دولت‌ها، انجام خواهد شد. فراتر از همه، عناصر میراث مشترک بشریت، در اعلامیه اصول، اعلام و راه را برای ماده ۱۳۷ کنوانسیون دریا، هموار نموده است بنابراین وقتی به ماده ۱۳۷ در یک سطح کلی و انتزاعی و از منظر حقوق موضوعه نگریسته شود، باید ماده ۱۳۷ را جز لازم و لاینفک ماده ۱۳۶ دانست. ماده ۱۳۷ وضعیت حقوقی منطقه و منابع آن را در ارتباط با اصل نفع بشریت بیان می‌کند: «همه حقوق مربوط به منابع منطقه به کل بشریت تعلق دارند، که «مقام» از طرف آنها اقدام خواهد نمود. این منابع قابل تملک و انتقال مالکیت نیستند.» (جمالی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۵)

طبق ماده ۱۴۰، کلیه فعالیت‌هایی که در منطقه انجام می‌شوند باید در راستای ساحلی یا بدون ساحل باشد. به ویژه اینکه باید منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه و مردم سرزمین‌های غیرمستقل در نظر گرفته شود و مقام بین‌المللی اعماق دریا عهده‌دار این وظیفه مهم باشد. علاوه بر این بندهای ۵ و ۸ این اعلامیه با تغییراتی جزئی در ماده ۱۴۰ کنوانسیون تکرار می‌شوند: «منطقه جهت استفاده انحصاری برای اهداف صلح‌آمیز توسط تمام کشورها، اعم از ساحلی یا محصور در خشکی، بدون تبعیض و بدون خدشه به سایر مقررات این قسمت آزاد خواهد بود.» به طور خلاصه، اصل حفظ دریاها برای نسل‌های آیند به مثابه یکی از اصول پنج‌گانه میراث مشترک بشریت در نظر گرفته می‌شوند (Larschan & Brennan, 1986: 192) در حقیقت به خاطر اصول مندرج در فصل یازدهم کنوانسیون که تقریباً تکرار اصول مندرج در اعلامیه ۱۹۷۰ است. کنوانسیون تا ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴، لازم الاجرا نشد. دوازده سال پس از خاتمه مذاکرات کنوانسیون و یک سال پس از تصویب شصتمین کشور، (طبق ماده ۳۰۸) سرانجام این کنوانسیون لازم الاجرا شد. (آنیک دومارفی و مانو، ۱۳۷۹: ۲۲۴)

موضوع قابل بحث این است که چرا کشورهای صنعتی کنوانسیون را تصویب نکردند. مقررات فصل یازدهم مانع جهان شمولی این کنوانسیون برای یک دهه شد. حقیقت مفهوم میراث مشترک بشریت به طور خاص با مولفه‌های سیاسی و اقتصادی جنگ سرد شکل گرفته است. مقررات فصل یازدهم که منجر به لازم الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲ شد، در آن مقطع جزء مقرراتی نبوده است که بتوان از طریق مطالعه آنها میراث مشترک بشریت را ارزیابی کرد. در فصل یازدهم کنوانسیون کاملاً مشخص است که کشورهای عمدتاً صنعتی و با نفوذ در جامعه ملل، هرگز بر اهمیت حقوقی و جایگاه و قدر میراث مشترک بشریت تأکید نمی‌کردند. ارزیابی مختصر از موضع غرب در نفی فصل یازدهم از مذاکرات سومین کنفرانس حقوق دریاها تا تصویب موافقت‌نامه اجرایی ۱۹۹۴ این حقیقت را آشکار می‌کند که دلایل بیان شده مبنی بر اینکه منافع کشورهای توسعه‌یافته باعث غیر قابل پذیرش بودن کنوانسیون شده است، ناشی از میراث مشترک نبوده و در نتیجه مقدمات اصولی این مفهوم تضعیف نگردیده است. علاوه بر این، بررسی‌ها نشان داده است که میراث مشترک بشریت، اصلی است که در حقوق بین‌الملل دریا به خوبی مراقبت و حفظ شده است. (جمالی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۷)

۲-۱-۴- عدم تخصیص، منطقه اعماق دریا و منابع آن

در این معنی که در ورای محدوده تحت صلاحیت ملی، فضایی وجود دارد که مستعد تخصیص دولتی نیست، هیچ گونه بحث و جدلی نیست. با این وجود این منطقه، یک سرزمین بلاصاحب یا مالی بی‌صاحب نیست که هر یک از کاربران آن مطابق میل خود و خارج از الزام حقوقی عمل کنند و نخستین شخصی که وسایلی در اختیار داشت، بتواند آن را متصرف شود در نتیجه سرزمین مشترکی^۱ است که همگان می‌توانند بدون اختصاص آن به خود از آن بهره ببرند اعماق دریاها را کنوانسیون ۱۹۸۲

¹ res Communis

درباره حقوق دریاها «منطقه» نامیده است و اعماق دریاها و اقیانوس‌ها را میراث مشترک بشریت اعلام کرده‌اند. (چرچیل و لو، ۱۳۹۰: ۲۸۲) کنوانسیون ۱۹۸۲، نظام بهره‌برداری ثروت‌های آن‌ها را تحت اشراف مقام بین‌الملل اعماق دریاها سازمان‌دهی کرده است. در ضمن شرایط و مقررات میراث مشترک بشریت در بخش یازدهم (مواد ۱۹۱-۱۳۳) و ضمیمه‌های سوم و پنجم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و موافقت‌نامه اجرایی ۱۹۹۴ کنوانسیون به طور دقیق بیان شده است. فکر عدم تملک منطقه اعمال دریا که در اعلامیه ۱۹۷۰ و چندین قطعنامه بعدی بیان گردید، در بند 1 ماده ۱۳۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ تکرار شده است:

۱- هیچ کشوری نمی‌تواند در هیچ بخشی از منطقه یا منابع آن اعمال حاکمیت کند و یا درصدد اعمال حقوق حاکمه خود باشد و یا در این مورد ادعایی نماید؛

۲- هیچ کشوری و یا هیچ شخصی اعم از حقیقی و حقوقی - نمی‌تواند بخشی از منطقه یا منابع آن را به خود اختصاص دهد و تصاحب کند؛

۳- هیچ گونه ادعا یا اعمال حاکمیت یا حقوق حاکمه و نیز عملیات تخصیص و تصاحب در منطقه به رسمیت شناخته نمی‌شود؛
۴- بشریت در کل، از تمامی حقوق بر منابع منطقه برخوردار است و مقام بین‌المللی اعماق دریاها از طرف او عمل می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۶۶)

بنابراین عدم اختصاص در این ماده به معنی وسیع کلمه مدنظر است زیرا هم حاکمیت و هم مالکیت حذف شده‌اند و حذف مالکیت هم مربوط به منطقه و هم منابع آن است. در نتیجه توسعه نامحدود فضای ملی به سمت دریا، ولو با عنوان حقوق حاکمه^۸ متوقف شده است. حال این سوال مطرح می‌شود که چگونه بدون حق مالکیت، فعالیت اقتصادی به ویژه معدن‌کاری در اعماق دریا سامان‌دهی می‌شود؟ منع کلی تملک منابع طبیعی یک منطقه باید برابر با منع استفاده و بهره‌برداری از آن‌ها باشد در صورتی که هدف دنبال شده مانع فعالیت‌های اقتصادی کشورها در نواحی جهان باشد. ضروری است که منع مالکیت، کلی نباشد و فقط برخی از اشکال تملک و اختصاص، به ویژه مواردی که به زیان کشورهای دیگر است، شامل شود (جمالی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۷۲)

ماده ۱۳۷ در رابطه با وضعیت حقوقی منطقه و منابع آن، در بند ۲ صراحتاً بیان می‌دارد که «... معادن استخراج شده از منطقه را فقط می‌توان مطابق با مقررات این قسمت و قواعد و مقررات و دستورالعمل‌های «مقام» به تملک درآورد یا مستقل نمود...» به علاوه بر اساس ماده ۱۴۰، منافع مالی و سایر منافع اقتصادی حاصل از بهره‌برداری از منابع اعماق دریا باید در یک مکانیزم مناسب تقسیم شود.

۳-۱-۴- پژوهش‌های علمی دریایی در منطق

مطابق ماده ۱۴۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه باید به منحصراً صلح‌آمیز و در جهت منافع کل بشریت انجام گیرد. مقام بین‌الملل اعماق دریاها و کشورهای عضو عهدنامه می‌توانند به پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه در مورد منابع آن مبادرت ورزند. مقام حق انعقاد قرار دادهایی را به منظور تحقیقات علمی دریایی در منطقه دارد. نتیجه پژوهش‌های علمی باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۶۷)

همه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار مانند کمیسیون بین‌الدولی اقیانوس‌شناسی، رکن دارای استقلال کارکردی در درون سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، این حق را دارند که پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه انجام دهند. ولی این فعالیت باید مطابق مقررات بخش یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ باشد (ماده ۲۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها) کشورهای عضو همچنین باید همکاری در پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه را تشویق کنند. (ماده ۱۴۳) مقام بین‌الملل بستر دریا خود می‌تواند پژوهش‌های علمی دریایی انجام دهد و عهده‌دار تشویق این قبیل تحقیقات و هماهنگ ساختن و توزیع نتایج آن

¹ Sovereign Rights

است. بند ۱ ماده ۱۴۳ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) تأکید می‌کند که پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه باید منحصرأ به نفع بشریت صورت گیرد. مقام بستر دریا در سال ۲۰۰۶ یک صندوق اعانه برای تشویق و ترویج پژوهش‌های علمی دریایی در منطقه بستر اعماق دریا تشکیل داد (لویی بی سون و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶۵)

۴-۲-۴- تقسیم منصفانه منابع دریاها و اقیانوس‌ها

ماده ۱۴۰ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریا تحت عنوان «نفع بشریت»، تقسیم منصفانه منافع مالی و سایر منافع اقتصادی حاصل از فعالیت‌ها در منطقه از طریق هر گونه سازگار مناسب بر یک بنیاد غیرتبعیض آمیز... را مقرر می‌دارد. ماده ۱۷۳ تصریح می‌کند که بودجه مقام پس از پرداخت هزینه‌های اداری می‌تواند «برای پرداخت خسارت به کشورهای در حال توسعه استفاده شود» و ماده ۱۴۴ با هدف انتقال دانش علمی و تکنولوژی مربوط به فعالیت‌ها در ناحیه به نحوی که همه کشورهای عضو بتوانند از آن استفاده نمایند، وضع گردیده است علاوه بر این، در رسیدگی به تقاضای کاوش و استخراج منابع معدنی منطقه و انتقال تکنولوژی را به عنوان شرط پذیرش درخواست‌ها مقرر می‌کند. بند ۲ ماده ۱۴۰ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) به مقام «برای تقسیم منافع مالی و سایر منافع اقتصادی حاصل از فعالیت‌ها در منطقه از طریق هر گونه سازگار مناسب»، قدرت کافی برای وضع مقررات لازم را می‌دهد.

قسمت‌های (د)، (ر) بند ۲ ماده ۱۶۰ کنوانسیون دریا، مقررات اصلی در ارتباط با تقسیم منافع ناشی از فعالیت‌ها در منطقه را تشکیل می‌دهد این امر را می‌توان در بند ۲ ماده ۱۴۰ نیز مشاهده کرد. به موجب این اصل، «مقام» برای توزیع منصفانه منافع مالی و سایر منافع اقتصادی حاصل از فعالیت‌ها در منطقه از طریق هر گونه مکانیزم مناسب از جمله تصمیم‌گیری مقام، تصویب مقررات و آیین‌نامه‌ها توسط مجمع و بر پایه یک بنیاد غیر تبعیض‌آمیز اقدام خواهد نمود. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۲۸۴)

این اصول در حال حاضر ماده ۷ ضمیمه موافقت‌نامه ۱۹۹۴ را تشکیل می‌دهند. محدودیت‌های این اصول زمانی روشن خواهند شد که توزیع به صورت موردی آغاز شود. ضابطه قابل اجرا تا حد زیاد به این امر بستگی دارد که توزیع منافع به صورت کمک به کشورهای در حال توسعه و از طریق صندوقی که در اختیار مقام است صورت گیرد. کمک‌ها در صورتی خواهد بود که اقتصاد کشورهای در حال توسعه که تولیدکننده مواد خام از منابع زمینی هستند، در اثر تولید مواد معدنی و در بستر دریا، دچار صدمات جدی شده باشد. آیین رسیدگی داخل مقام بین‌المللی اعماق دریا، بر تقسیم منافع حاکم است و ممکن است اختلاف قضایی در این خصوص مطرح نگردد اما موضوعات اختلافی زمانی تعیین کنند، خواهند بود که فعالیت‌های تجاری اعماق دریا آغاز شود. در آن صورت اصول چهارچوب مفیدی را ارائه خواهند کرد. (جمالی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۵۲).

۴-۳- تلاش کشورهای در حال توسعه در جهت بازآفرینی نظم نوین اقتصادی

تلاش کشورهای در حال توسعه یا به شیوه قدیمی‌تر آن، کشورهای جهان سوم، برای تغییر نظم بین‌المللی موجود، با عنوان نظم نو اقتصادی بین‌الملل در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در طرح میراث مشترک بشریت منعکس شده است. در این دوران کشورهای در حال توسعه، ادعا می‌کردند که مبانی فلسفی و حقوقی شکل‌گیری این مفهوم در ایدئولوژی نظم نوین اقتصاد بین‌المللی است و تلاش آنها این بود که با میراث مشترک بشریت نظم اقتصادی جهان نو را محقق ساخته و از این مفهوم به مثابه فرصتی برای جبران عقب‌ماندگی خود استفاده کنند. امید آنها این بود که منابع طبیعی بستر دریا بتوانند آنها را به نابرابری بین خود و کشورهای پیشرفته دارای فناوری جدید پایان دهد. (Bedjaoui, 1979: 221) طبیعت پویا و آرمانی مفهوم نیاز داشت که به آن شکل حقوقی داده شود تا ارزش‌های جهان در حال توسعه مستحکم شود. در این راستا گروه ۷۷ به مفهوم «میراث مشترک بشریت» که در اعلامیه اصول ۱۹۷۰ به خوبی بیان شده بود، معنا و عناصر جدیدی اضافه کردند. به نحوی که در نقطه مقابل فلسفه رقابت آزاد قرار گرفت و به پیشرفت طرح جسورانه میراث مشترک بشریت، کمک بسیاری کرد. اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی علیه شرکت‌های نفتی و گازی جهان به کار گرفته شد و رفتار کشورهای توسعه‌یافته را نسبت به منابع طبیعی تغییر داده و مسائلی را به دنبال داشت:

نخست اینکه منافع حاصله از فعالیت در اعماق دریاها و اقیانوس‌ها با تخصیص به بشریت، صرف نظر از موقعیت جغرافیایی کشورها و با ترجیح منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه و یا با استقلال ناقص و سایر وضعیت‌های خودگردان (ماده ۱۴۰

کنوناسیون)، بشریت را با چالش‌های جدیدی مواجه کرد. دوم اینکه به منظور نظارت و کنترل فعالیت‌ها در منطقه یک مکانیزم سازمانی متمرکز و قوی توسط کشورهای در حال توسعه ایجاد شد (مواد ۱۸۵-۱۵۶) سوم اینکه به عنوان یکی از اهداف نظم نو اقتصاد بین‌المللی، مقام بین‌المللی بستر دریا برای رشد، افزایش کار این و ثبات بازارها برای کالاهای تولید شده از مواد معدنی به دست آمده از منطقه و تعیین قیمت مناسب برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اقدام لازم را به عمل آورد. (ماده ۱۵۱) در نهایت کشورهای در حال توسعه بایستی برای تأمین استاندارد حداقل زندگی برای همه و ریشه‌کن شدن فقر، تکنولوژی را از صاحبان آن به دست آوردند. به طور خلاصه میراث مشترک بشریت به مثابه وسیله‌ای برای چالش ایدئولوژیکی بر علیه غرب به کار برده شد. در هر صورت ارزیابی عملکرد کشورهای توسعه یافته غربی، نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی به واسطه انحصار تکنولوژیکی ابزارهای کاوش در بستر و زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها و نیز وجود موادی که ناقض امنیت اقتصادی و نفوذ قدرت استراتژیک‌شان در مناطق بکر و دست‌نخورده جهان مانند قطب‌های شمال و جنوب، بستر و زیربستر دریاها و اقیانوس‌ها و ... بود، تلاش می‌کردند تا بدون ایجاد حساسیت‌هایی غیرضرور، از هر گونه انتقال تکنولوژیکی به کشورهای جهان سوم جلوگیری کرده و خود به کاوش و بهره‌برداری از منابع بی‌شمار کف دریاها و اقیانوس‌ها بپردازند. البته نباید فراموش کنیم که برخی نیز خود کشورهای در حال توسعه را نیز مقصر دانسته و معتقدند که کشورهای توسعه یافته نسبت به شناسایی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها به عنوان یک میراث مشترک بشریت که همه دنیا باید از منابع آن بهره‌مند شوند، اعتراض خاصی نداشته‌اند و این رویکرد کشورهای جهان سوم بود که این تنش‌ها در این زمینه را افزایش داد.

۵- نتیجه‌گیری

موضوع شناسایی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها به مثابه میراث مشترک بشریت در سال ۱۹۷۰ با یک قطعه‌نامه در مجموع عمومی سازمان ملل متحد، صورت گرفت. جدا از این، با تدوین کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، عملاً این موضوع به یک اصل حقوق در نظام بین‌المللی تبدیل شد. با این وجود، تلاش‌ها برای ایجاد یک وحدت رویه در قبال اعماق دریاها و اقیانوس‌ها و حفظ منابع آن در جهت محافظت از محیط زیست، چندین دهه است که ادامه دارد. با این وجود، برخی از کشورهای توسعه یافته به دلیل برتری تکنولوژیکی و اقتصادی، نه تنها تلاش کشورهای جهان سوم برای حفظ محیط زیست دریاها و اقیانوس‌ها را نادیده می‌گیرند، بلکه با استناد به اهداف استراتژیک و اقتصادی، سعی می‌کنند اقدامات تخریبی خود را توجیه کنند. در تحقیق حاضر نشان داده‌ایم که یکی از دلایل شکست و یا بهتر بگوییم، عدم موفقیت کشورها (به ویژه کشورهای در حال توسعه) در اجرای مفاد کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۸۲ به ویژه مواد حقوقی مرتبط با شناسایی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها به مثابه میراث مشترک بشریت، تکیه برخی از کشورها به این حق انحصاری خود در کشف منابع زیر اقیانوس‌ها است. زیرا بسیاری از کشورهای توسعه یافته عمدتاً غربی به واسطه قدرت تکنولوژیکی امکان دسترسی سریع‌تر به منابع موجود در اعماق دریاها و اقیانوس‌ها را بیشتر از دیگر کشورها دارند و این مزیت فنی، باعث افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی آن‌ها در نظام بین‌الملل شده است. مسلماً اتخاذ چنین رویکردی به شکست تلاش‌ها برای اجرای معاهدات بین‌المللی و یا تدوین یک معاهده تازه در این زمینه خواهد انجامید.

منابع

۱. آقای، بهمن (۱۳۷۴)، مجموعه مقالات حقوق دریاها و مسائل ایران، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲. آنیک دو ماری، ماتانئو. (۱۳۷۹)، «چارچوب اجرایی موافقتنامه مربوط به اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل درباره حقوق دریاها»، ترجمه سید فضل‌الله موسوی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۵، صص ۲۲۳-۲۵۴.
۳. اکهرست، مایکل (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل نوین، ترجمه بهمن آقای، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
۴. امیدی، علی (۱۳۹۴)، حقوق بین‌الملل از نظری تا عمل، تهران: انتشارات میزان.
۵. ییک‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل دریاها، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، جزوه درسی.

۶. پورنوری، منصور و حبیبی، محمد (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل دریاها، کنوانسیون حقوق دریاها (مصوب ۱۹۸۲)، بهار ۱۳۸۶، چاپ سوم.
۷. پورنوری، منصور و حبیبی، محمد (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل دریاها، کنوانسیون حقوق دریاها (مصوب ۱۹۸۲)، بهار ۱۳۸۶، چاپ سوم.
۸. جمالی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، میراث مشترک بشریت، مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل، ج ۲، تهران: انتشارات فرهنگ‌شناسی.
۹. چرچیل، رابین، و آلن لو (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۰. رابینسون، نیکلاس (۱۳۹۰)، مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران: نشر میزان.
۱۱. صفارزاده محمود و همکاران (۱۳۸۵)، حمل‌ونقل دریایی، تهران: انتشارات اسرار دانش.
۱۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۹)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۳. طلائی، فرهاد (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل دریاها، تهران: جاودانه جنگل.
۱۴. طلائی، فرهاد (۱۳۸۰)، حق حاکمیت کشورها دذ ذیای سرزمینی، مجله پیام دریای، شماره ۹۸، سال دهم، آذر ماه ۱۳۸۰.
۱۵. عباسی، بیژن (۱۳۹۵)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (سه نسل حقوق بشر در اسلام، ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای)، تهران: انتشارات دادگستر.
۱۶. کک دین، نکوین، دیه، پاتریک و پله آلن (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه حسن حبیبی، ج دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۷. لوئی بی سون، کریستن گوستافسون یوراس، جان ای نویز و اریک فرانکس (۱۳۹۸)، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه دکتر محمد حبیبی مجنده، تهران: انتشارات جنگل.
۱۸. متقی لطف الله (۱۳۸۸)، کنوانسیون بین‌المللی تسهیل ترافیک دریایی، به سفارش معاونت امور بندری و مناطق ویژه اداره کل امور بندری، اداره استانداردهای ایمنی بندری، تهران: انتشارات اسرار دانش.
۱۹. میرسپاسی، باقر (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات میزان.
۲۰. نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۶۹)، تنگه هرمز از دیدگاه حقوق بین‌الملل دریاها، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۲۱. والاس، ربه کا (۱۳۷۸)، حقوق بین‌الملل، ترجمه محمد شریف، تهران، نشر نی.

22. Anton, Donald K. "The Principle of Residual Liability in the Seabed Disputes Chamber of the International Tribunal for Law of the Sea: The Advisory Opinion on Responsibility and Liability for International Seabed Mining (ITLOS Case No. 17)." Australian National University (November 2011): 1- 23. Accessed December 2012. <http://ssrn.com/abstract=1957907>.

23. Lang, Winfried (2001), Un-Principles and International Environment law, London Press.

کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌ها

۱. کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها (۱۹۴۹)
۲. کنوانسیون ژنو (۱۹۵۸)
۳. کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)
۴. موافقت‌نامه نیویورک (۱۹۹۴)